

بیمن ۱۳۵۷



دکتر شمس‌الدین عالمی - کفیل اسبق وزارت دادگستری

یادداشت سردبیر: این شماره‌ی حافظ، نگاهی دیگر است به رویدادهای بیمن ۱۳۵۷، شامل چهار مقاله: یکی «قانون تعقیب متجاوزان به حقوق اساسی ملت» به قلم آخرین سرپرست وزارت دادگستری در کابینه‌ی دکتر شاپور بختیار، دیگری «اعلان بی‌طرفی ارتش» به قلم دومین رییس ستاد ارتش در دولت موقت مهندس مهدی بازرگان؛ سومی خاطراتی از «سانسور، ریا و سوءمدیریتی که به انقلاب انجامید» به قلم یک دبیرنامت‌نامدار عصر پهلوی و چهارمی مقاله‌یی در باب مفاهیم و آرمان‌های انقلاب به قلم یک پژوهشگر دانشور با عنوان «انقلاب زنده باد».

محمدرضا شاه پهلوی پس از شروع انقلاب ۱۳۵۷، برای اسکات ناراضیان، مسؤولان رده بالای کشور را که سال‌ها مجری فرمان او بودند، دستگیر و زندانی کرد. چندی بعد، شاه خود در روز ۱۵ آبان ۱۳۵۷ در صفحه‌ی تلویزیون ظاهر شد و خطاب به مردم گفت که: «شما ملت ایران، علیه ظلم و فساد به پاخاستید... من نیز صدای انقلاب شما را شنیدم». شاه در ۲۶ دی کشور را ترک کرد و به نخست‌وزیر و امیران ارتش گفت که دیگر از اوضاع کشور، گزارشی به او نفرستند. او رفت و انقلاب پیروز شد.

بالاگرفتن مطالبات سیاسی مردم و تشدید تظاهرات در روزهای تاسوعا و عاشورا (آذر ۱۳۵۷)، به استعفاي ارتشید غلام‌رضا اژه‌اری در ۲۵ آذر انجامید و شاپور بختیار جای او را گرفت. در دستگاه قضایی کشور، دکتر محمد باهری که در کابینه‌ی شریف امامی وزیر دادگستری بود، در ششم آبان ۱۳۵۷ استعفا داد و دکتر حسین نجفی وزیر دادگستری شد. دکتر نجفی، پس از سقوط کابینه‌ی شریف امامی، در کابینه‌ی اژه‌اری هم به همین سمت برقرار ماند. شاپور بختیار، پس از اخذ رأی اعتماد از مجلسین در ۲۱ دی ۱۳۵۷، طی یکی از نخستین نطق‌های خود به ملت وعده داد که کسانی را که به جان و مال و ناموس مردم تجاوز کرده یا از بیت‌المال سوء استفاده کرده باشند، به اشد مجازات گرفتار کند. بختیار وزارت دادگستری را به یحیی صادق وزیر سپرد، ولی او پس از چند روز از وزارت دادگستری استعفا کرد و در این فاصله، یعنی پس از استعفاي صادق وزیر و تا سقوط بختیار، کابینه فاقد وزیر دادگستری بود و دکتر شمس‌الدین عالمی کفیل وزارتخانه بود، تا آن که مهندس بازرگان که در ۱۶ بیمن ۱۳۵۷ از سوی آیت‌الله خمینی مأمور تشکیل دولت موقت شد، دکتر اسدالله مبشری را به سمت وزیر دادگستری معرفی کرد.

به‌منظور رسیدگی به پرونده‌ی کسانی که مانع استقرار دموکراسی بودند، دولت بختیار، به تدوین لایحه‌ی بر اساس قانون اساسی در جهت تعقیب و محاکمه‌ی «متجاوزان به حقوق اساسی ملت» و رجال دیوانی و کشوری و انتظامی پس از کودتای ۲۸ مرداد پرداخت، یعنی در حالی که توده‌های، مجاهدین و افراطیون تأکید بر تشکیل دادگاه‌های انقلابی و اعدام سریع مسؤولان رژیم سلطنتی داشتند، عقلای قوم - از جمله اکثریت قریب به اتفاق قضات، حقوقدانان و وکلای دادگستری - قائل به محاکمه‌ی متجاوزان به حقوق اساسی ملت از طریق دادگستری و هیأت منصفه بودند. به همین دلیل، وزارت دادگستری طرحی به مجلس داد که به تصویب رسید. در این شماره، متن قانون مصوب ۱۷ بیمن ۱۳۵۷ را (در بخش حقوقی) چاپ کرده‌ایم.

مقاله‌ی حاضر که جناب دکتر شمس‌الدین عالمی (سرپرست کفیل) وقت وزارت دادگستری) به خواهش ما برای نخستین بار برای ماهنامه‌ی حافظ نوشته‌اند، داستان تمهید مقدمات قانونی برای تعقیب متجاوزان به حقوق اساسی ملت در پانزده ساله‌ی پایانی سلطنت محمدرضا شاه را تشریح می‌کند. اهمیت این مقاله در این است که نشان می‌دهد وقتی «اراده‌ی ملی» حاکم شود، همان قانون اساسی عصر مشروطیت می‌تواند مستند تعقیب مسؤولان رژیم سلطنتی (از جمله تمام کسانی که طی پانزده ساله‌ی پیش از انقلاب به وزارت رسیده بودند) شود، و به‌عکس اگر استبداد حاکم باشد، متن قانون اساسی هرچه باشد، بی‌تأثیر و بدون ضمانت اجرا می‌ماند. اینک این شما و این هم مقاله‌ی دکتر شمس‌الدین عالمی آخرین سرپرست وزارت دادگستری پیش از پیروزی انقلاب:

استخاره‌یی بکن، اگر بد آمد، رییس شعبه‌ی دیوان کشور هستی و نظرات خود را اجرا می‌نمایی. استخاره‌ی رییس دیوان کشور بد آمد، ناچار معاونت را قبول و تلفن کردم. گفت: وقت مقرر معرفی می‌شویم.

در معرفی هفت نفره‌ی فوق، شاه گفت: این مارکسیسم اسلامی چیست؟ کاری کنید که مردم راضی شوند. گفتم: چه‌گونه مردم را راضی کنیم؟ گفت: هرچه بگویید، می‌کنم. گفتم: اصل چهل و چهارم

طایعه‌ی انقلاب ایجاب کرد که وزیر دادگستری تغییر یابد و به‌دنبال آن پنج معاون وزارت دادگستری و دادستان و ریاست کل دیوان کشور تغییر یافتند. وزیر دادگستری اصرار داشت که معاونت طرح و بررسی‌ها را بپذیرم و نظرات خود را پیاده نمایم. پاسخ دادم که ساواک موافقت نخواهد کرد. نخست‌وزیر گفت: ساواک مخالفت نموده است، ولی شاه شما را پذیرفته است و فردا همگی معرفی می‌شوید. نپذیرفتم. گفت: ۲۴ ساعت وقت دارید مشاوره یا

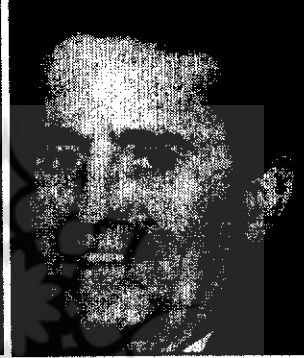
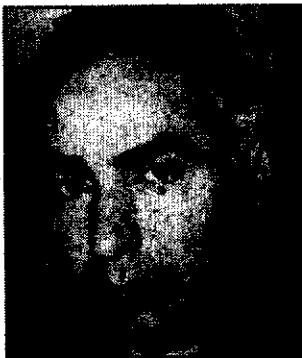


می‌گوید: «شخص پادشاه از مسؤلیت مبراست و وزرای دولت در هرگونه امور مسؤول مجلسین هستند.» اصل چهل و پنجم می‌گوید: کلیه‌ی قوانین و دست‌خط‌های پادشاه در امور مملکتی، وقتی اجرا می‌شود که به امضای وزیر مسؤول رسیده باشد، مسؤول صحت مدلول آن فرمان و دست‌خط همان وزیر است.

به شاه گفتم که در اجرای این اصول قانون اساسی شرحی نوشته‌ام که تقدیم می‌شود. شاه آن را خواند و از وزیر دادگستری پرسید: نظر شما چیست؟ وزیر گفت: قربان راه دیگری وجود ندارد. شاه پذیرفت. نامه‌ی شماره‌ی ۳۳/۴۷۶۰ تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۳۰ را به مجلس فرستادم. قانون نحوه‌ی تعقیب نخست‌وزیران، وزیران و طرز تشکیل هیأت منصفه را تنظیم نموده بودم که در ۱۳۵۷/۱۱/۲۱ تصویب گردید.

در جریان امر می‌باشند و تشخیص این امور منحصرأ در صلاحیت ملت ایران است که وسیله‌ی هیأت منصفین نظر خود را اعلام نماید. و به شرح تحقیق شماره‌ی ۱ و ۲ که پیوست است، این قبیل اعمال مشمول ماده‌ی ۸۲ قانون مجازات عمومی در مخالفت و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی‌ست.

نظر به این‌که ماده‌ی ۱ قانون محاکمه‌ی وزرا (که شامل نخست‌وزیر و کفیل وزارت‌خانه نیز می‌باشد) مقرر داشته است اعم از این‌که وزیر جین تعقیب متصدی شغل وزارت باشد یا نه. و از جمله موجبات تعقیب، طبق بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون محاکمه‌ی وزرا، اعلام کتبی یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی، دایر به وقوع جنحه و جنایت است که این امر مدتی‌ست محقق گردیده است.



دکتر اسدالله موسوی

دکتر سادق زهری

دکتر حسن نجفی

دکتر محمد معتضد باهری

وزیران دادگستری ایران از آبان ماه بهمن ۱۳۵۷

با اشاره به این‌که ماده‌ی ۳ قانون محاکمه‌ی وزرا می‌گوید رییس مجلس شورای ملی در ظرف یک هفته نوشته‌جات و اسناد و مدارک موجود راجع به اتهام را به کمیسیون عرایض مجلس ارجاع و کمیسیون مزبور مکلف است در ظرف ۱۵ روز تحقیقات بدوی را به‌عمل آورده و خبر خود را دایر به لزوم یا عدم لزوم تحقیقات به رییس مجلس شورای ملی تقدیم نماید و این خبر در ظرف یک هفته در مجلس علنی قرائت شده و پس از قرائت بدون مذاکره‌ی کمیسیون عدلیه ارجاع می‌گردد.

نظر به این‌که اصل شصت و یکم متمم قانون اساسی مقرر داشته وزرا علاوه بر این‌که به‌تنهایی مسؤول مشاغل مختصه‌ی وزارت خود هستند، به هیأت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسؤول و ضامن یک‌دیگرند.

نظر به این‌که مواعد مذکور منقضی گردیده و طبق اصل شصت و نهم متمم قانون اساسی، مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوان‌خانه تمیز عنوان خواهد نمود و تاکنون چنین عنوانی نشده است. با اشاره به این‌که مدت مرور زمان این جرایم ۱۵ سال است، بنابراین مانعی برای تعقیب وزرای ۱۵ سال اخیر جز اجازه‌ی مجلس وجود ندارد.

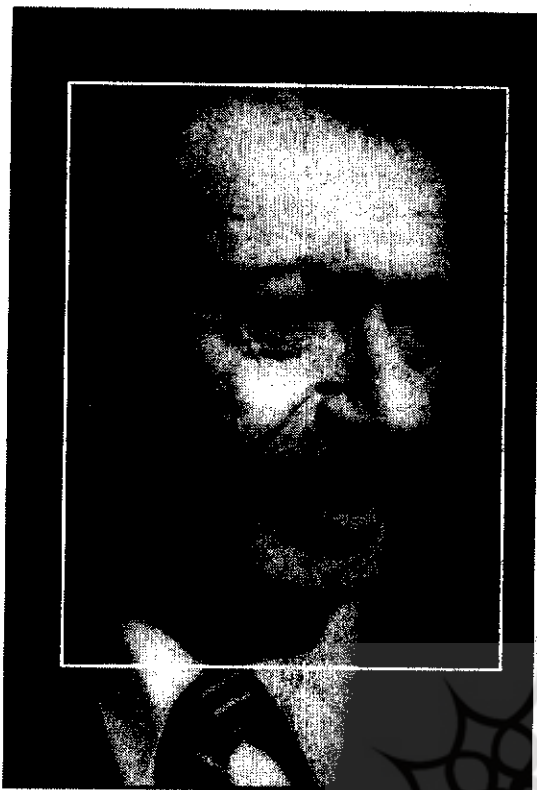
متن نامه‌ی را که من به مجلس فرستادم، این بود:

با استحضار جناب آقای نخست‌وزیر ریاست محترم مجلس شورای ملی:

نظر به این‌که طبق اصل بیست و پنجم متمم قانون اساسی، تعرض به وزرا در تقصیرات راجعه به مشاغل آن‌ها محتاج به تحصیل اجازه با رعایت قوانین مخصوصه است و با اشاره به این‌که تصویب نامه‌ی شماره‌ی ۷۱۳۲ مصوب ۱۳۴۲/۵/۳ در کمیسیون دادگستری مجلس بلا تکلیف مانده است، ماهیتاً نظام‌نامه‌ی عمومی شناخته می‌شود و دیوان‌خانه‌ی عدلیه (دیوان عالی کشور) و محاکم، طبق اصل هشتاد و نهم وقتی آن را مجری خواهند داشت که مطابق با قانون باشد و این تصویب‌نامه مخالف اطلاق اصول قانون اساسی و قانون محاکمه‌ی وزرا است. بنابراین قابلیت اجرا در محاکم دادگستری ندارد.

نظر به این‌که بسیاری از اصول قانون اساسی در باب حقوق ملت ایران، از جمله اصل ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۰ و ۲۱ متمم قانون اساسی نقض شده است و عامه‌ی مردم ایران و به‌خصوص مجلسین





نظر به مسؤولیتی که در وضع حاضر معاونین وزارتخانه‌ها در امور وزارتخانه‌های خود دارند و ریاست فائقه‌یی که وزیر دادگستری در مورد دادرها دارد، با استفاده از بند دوم ماده‌ی ۲ قانون محاکمه‌ی وزرا، مصوب ۱۳۰۷ و با اشاره به تبصره‌ی همین ماده از ساخت مقدس مجلس شورای ملی درخواست می‌نماید پرونده‌ی وزرای را که قابل تعقیب می‌دانند، با توجه به مواد قانون مجازات و نظرات قضایی که پیوست است، به وزارت دادگستری ارسال که بلافاصله در دیوان کشور مطرح و ضمناً دست مأمورین کشف جرم برای اقدامات مقدماتی باز گردد.

با تقدیم احترامات فائقه - دکتر شمس‌الدین عالمی
معاون وزارت دادگستری در امور طرح‌ها و بررسی‌ها»

چگونگی دفاع از لایحه در مجلسین

این نامه در ۵۷/۱۰/۳۰ - وسیله‌ی معاون پارلمانی به مجلس تقدیم که به شماره‌ی ۲۶۰۴۵ - در تاریخ ۵۷/۱۱/۱۰ دفتر مجلس ثبت شده است و از اقدامی که شده اطلاعی ندارم. ولی بر اثر نامه‌ی مزبور در نخست‌وزیری لایحه‌یی تنظیم که در اتاق رییس مجلس شورای ملی با حضور نخست‌وزیر آن لایحه را دیدم، ولی مخالف قانون اساسی به نظر رسید. لذا امضا نکرده و گفتم: معاون پارلمانی را آورده‌ام که از لایحه دفاع نماید و بعد از ظهر به نخست‌وزیر علت عدم امضا را تذکر دادم. قرار شد که در مجلس به صورت مورد نظر من درآید و چنین نیز شد، ولی در آخرین لحظه آقای دادفر [نماینده‌ی مجلس مراغه که از ژنو دکتری حقوق داشت]، در مجلس شورای ملی پیشنهادی نمود و سنگی انداخت که دیگر لایحه قابل اجرا نبود و نخست‌وزیر آن را پذیرفت و لایحه تصویب گردید - این مطلب را نیز تذکر دادم - نخست‌وزیر گفت: همان طور که قرار بود در سیاست قضایی مداخله‌ی ندارم، ولی این اشکال را باید خودتان و در کمیسیون مشترک مجلسین حل نمایید و در مجلس سنا نیز شخصاً حضور داشته باشید که اشکال پیش نیاید. در کمیسیون مجلسین (دادگستری) شرکت، مطالبی که باید بحث شود، یادداشت که همه ما شین نشده بود و دو صفحه‌یی که حاضر شده بود (مقدمه)، آن را با خود بردم و بقیه‌ی اوراق را در جلسه به من رساندند که در این جا فقط به مقدمه‌ی آن بسنده می‌نماییم:

آقایان نمایندگان محترم! به حکم مسؤولیتی که تا تعیین وزیر دادگستری به عهده‌ام گذاشته شده، از من خواسته‌اند که توضیحات در مورد ماده‌ی واحده‌یی که تقدیم شده، به عرض آقایان برسانم. همکار ارجمند من، معاون پارلمانی وزرات دادگستری، که این لایحه را امضا نموده، در خدمت آقایان است، از لایحه دفاع خواهد نمود.

۱- آقایان توجه دارند که مردم ایران علیه فساد و ستمگری انقلاب نموده‌اند و انقلاب ما یک انقلاب طبقاتی نیست و مورد تأیید تمام مردم و دولت و نمایندگان مجلسین می‌باشد. از جمله خواست‌های مردم ایران، محاکمه‌ی فوری عاملین فساد به معنای اعم کلمه است و دولت در این لایحه خواسته است به این خواست مردم پاسخ فوری دهد.

در فرم و شکل ظاهری لایحه اشکالاتی وارد است که وارد بحث آن نمی‌شوم و فقط به هدف دولت اشاره می‌نمایم. همان طوری

که در برنامه‌ی دولت معروض افتاده است، محاکمه‌ی متجاوزین به حقوق عمومی مورد نظر بوده است. از طرف دیگر توجه دولت به این نکته معطوف شده که مرجع تنظیمات عمومی محاکم دادگستری است و به موجب اصل یازدهم متمم قانون اساسی هیچ کس را نمی‌توان از محاکمه‌یی که باید درباره‌ی او حکم کند، منصرف کرده و مجبوراً به محاکمه‌ی دیگر رجوع دهد.

دولت برای تلفیق اندیشه‌ی محاکمه‌ی ملی و اصول مذکور، در نظر گرفته است که در محاکمه، هیأت منصفه حضور یابد. درست است که اصول قانون اساسی لزوم شرکت هیأت منصفه را در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی ضروری دانسته است، ولی به نظر این جانب هیچ منعی برای حضور هیأت منصفه در سایر محاکمات وجود ندارد.

خوش بختانه در قانون محاکمه‌ی وزرا، مصوب ۱۳۰۷، هیأت منصفه نیز پیش‌بینی شده است و بر خلاف آن چه که در مجموعه قوانینی گردآوری شده، به وسیله‌ی اشخاص غیرمسئول قید شده که این مواد نسخ شده است باید اشاره نمایم که این مواد به قوت قانونی خود باقی‌ست.

اگر در انتخابات گذشته گذشته محدودیت انتخاب‌شوندگان از طرف حزب رستاخیز به میان نیامده بود، همان هیأت منصفه‌ی مذکور در قانون ۱۳۰۷ وافی به مقصود بود، ولی در وضع حاضر این هیأت منصفه غیرقابل قبول است. به همین جهت این نظر وجود دارد که هیأت منصفه‌یی که جنبه‌ی مردمی داشته باشد، در محاکمه شرکت نماید و از نظر شکل اشکالی ندارد که مواد ۹ و ۱۰ قانون محاکمه‌ی



وزرا به طور کلی و برای همیشه اصلاح شود و حتی در محاکمه‌ی وزرا در غیر موارد سیاسی هم هیأت منصفه شرکت نماید که همه بستگی به نظر آقایان دارد.

۲- در مورد محتوای لایحه به هیچ وجه نظری به عطف به ماسبق کردن قوانین کیفری وجود ندارد، به همین جهت در ماده‌ی تقدیمی اصلاح عبارتی ضروری است و مقررات مربوط به مرور زمان حذف نمی‌شود و نظری به ایجاد دادگاه جدید نیست و تمام اصول مقرر در قانون اساسی و همچنین مقررات حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی باید به دقت رعایت شود.

۳- آقایان توجه دارند که اهم جرایمی که در این مملکت رخ داده است، تجاوز و تعدی به حقوق اساسی ملت ایران است. بسیاری از اصول من جمله اصل ۸، ۹، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۰ و ۲۱ متمم قانون اساسی در باب حقوق ملت رعایت نشده است. تمام مردم ایران مخصوصاً مجلسین به این امر واقف می‌باشند.

رژیم مملکت که مطابق قانون اساسی یک رژیم دموکراسی و سلطنت مشروطه است، به اعتقاد عامه به صورت یک حکومت مطلقه درآمده است.

۴- به شدت دولت و مجلسین را از این که در قوه‌ی قضاییه مداخله نمایند و یا ضمن تصویب قانون قضاوت نمایند، بر حذر می‌دارم و به عنوان قاضی که سی و سه سال در خدمت قضایی مملکت بوده‌ام، به عرض آقایان نمایندگان می‌رسانم: هدف مردم از مشروطیت فقط

عدالت‌خانه بود و متأسفانه پس از هفتاد سال که از مشروطیت ایران می‌گذرد، دولت هنوز زیر بار دادگستری نرفته است و دعاوی له و علیه خود را در دادگستری عنوان نمی‌نماید.

امید است هرچه زودتر در این خصوص فکر اساسی بشود. به هر حال تطبیق موارد بر مواد قانون از وظایف دادگاه‌هاست، نه در تکالیف قوه‌ی مقننه، از این جهت با اطمینان به این که ضدیّت با اساس حکومت ملی و قوانین اساسی از طرف وزرا و اعضای پارلمان و صاحب‌منصبان و مأمورین دولتی، مشمول ماده‌ی ۸۲ قانون مجازات عمومی است و نیازی حتا به تفسیر قانون ندارد، دیگر این توهم نیز ایجاد نمی‌شود که به موجب قانون حکم محکومیت افراد صادر شده است.

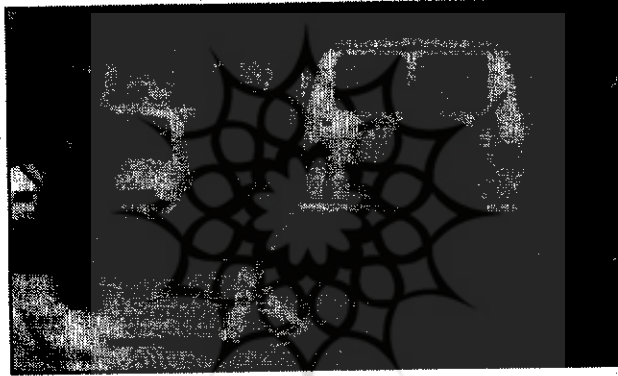
۵- آقایان بهتر از من می‌دانند که با وجود اعلام جرم از طرف نمایندگان، با وجود این که ماده‌ی ۲ قانون محاکمه‌ی وزرا می‌گوید: رییس مجلس شورای ملی ظرف یک هفته نوشته‌جات و اسناد و مدارک موجود راجع به اتهام را به کمیسیون عرایض مجلس ارجاع و کمیسیون مزبور مکلف است ظرف ۱۵ روز تحقیقات بدوی را به عمل

آورده و نظر خود را دایره به لزوم و یا عدم لزوم تحقیقات به رییس مجلس شورای ملی تقدیم نماید و این خبر ظرف یک هفته در مجلس علنی قرائت شده و بدون مذاکره به کمیسیون عدلیه ارجاع می‌شود و مواعد مذکور منقضی گردیده و طبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوان‌خانه‌ی تمیز عنوان خواهد نمود. تاکنون حتا چنین عنوانی نشده است، در حالی که چشم‌ها به دستگاه قضایی دوخته شده که تکلیف متجاوزین به حقوق عمومی را معین نماید و آن‌ها را به کیفر اعمال خود برساند و حال آن که دست دستگاه قضایی به کلی بسته است و اکنون دولت ناگزیر شده است که چنین لایحه‌ی را تقدیم نماید و این گره را بگشاید.

محاکمه که عنوان شده است، یک محاکمه‌ی فردی و شخصی نیست، شاید بتوان گفت که محاکمه‌ی رژیم است که جزء خواست‌های ملت ایران است.

بدین جهت است که دولت بدون فوت وقت، درخواست اجازه‌ی تعقیب تمام وزرای پانزده سال اخیر را نموده است.

به نظر اینجانب، بدون شک بین وزرای پانزده سال اخیر نیز مردمی شریف که در شرایط بسیار ناگوار وظایف قانونی خود را انجام داده‌اند، وجود دارد که تشخیص و تمیز آن‌ها از متجاوزین به حقوق عمومی، به دادگاه‌های عمومی و مردم ایران واگذار شده است. بدون



این که در مورد رأی قضات مسؤلیتی به عهده گیرم، باید اشاره کنم به قضاوت مردم ایران و قضات دادگستری اطمینان کامل دارم و موقع را مغتنم شمرده، در مقابل انبوه قضات شریف و بی‌طرف و بی‌نظر و زحمت‌کش و محروم مملکت، سر تعظیم فرود می‌آورم.

در مورد معاونین و شرکای وزرا، محاکمه‌ی آن‌ها در صلاحیت مراجع عمومی است، نه دیوان عالی کشور و نیاز به تصریح دادگاه‌های تهران، دادگاه جنایی وجود ندارد. با تمام توضیحاتی که به عرض رسید، معاون پارلمانی وزارت دادگستری در خدمت آقایان است تا هر ایراد اصولی که آقایان داشته باشند، در لایحه قبول نماید. با کمال علاقه‌مندی که دولت در تسریع تصویب لایحه دارد، استدعای کمال توجه و دقت را نیز دارد.»

کمیسیون مشترک مجلسین، ماده‌ی واحده را تأیید و مجلس سنا نیز آن را تصویب نمود. ■

حافظ: برای مطالعه‌ی متن کامل قانون تعقیب مسؤلان رژیم سلطنتی به بخش حقوقی / سیاسی همین شماره مراجعه فرمایید.